

شبانہ ی دو
از: عباس احمدی



در خویشتن خویش نظر اندر افکندیم، تا آفتاب را بیابیم،
مهتاب تاریک را یافتیم، دریغا، با جامه ی خونابش.
اندوه را یافتیم، دریغا، با خاکستر آرزوهایش.

و اینک شهزاده ی مردگان است
که با داسی از نقره
سبکبار از افق گوگردین می گذرد.

و ما نومیدانه

رسولان خفته در خاک را انتظار می کشیم.

<http://news.gooya.com/ahmadi.php>

abbas.ahmadi@mailcity.com

Shabaneh2.vnf